

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت ۸ مارس، روز همبستگی رزمجویانه با پیکار زنان جهان برای برابری و رهایی از ستم جنسی و طبقاتی زنان گردان مهم و جدا ناپذیر جنبش مردمی برای اصلاحات، آزادی و عدالت اجتماعی



شماره ۶۰۴، دوره هشتم
سال هفدهم، ۲۳ اسفند ماه ۱۳۷۹

در سراسر جهان، هشتم مارس را به عنوان روز جهانی زن جشن می گیرند. نود سال پیش، در سال ۱۹۱۰ میلادی، به پیشنهاد «کلارا تستکین»، از رهبران بزرگ جنبش کارگری و کمونیستی آلمان، و از بنیان گذاران حزب کمونیست آلمان، به احترام خاطره کارگران زن آمریکایی، که در ۸ مارس ۱۸۷۵، در تظاهرات برای احقاق حقوق خود با گلوله های نظام سرمایه داری به خاک و خون افتاده بودند، روز هشتم مارس را، روز جهانی زنان و روز اعلام همبستگی با پیکار زنان در سراسر جهان اعلام شد، و از آن روز تاکنون، روز

زنان پیکارگر و قهرمان ایران!
کمیته مرکزی حزب توده ایران، قرار رسیدن هشتم مارس، روز جهانی زن و روز جهانی همبستگی رزمجویانه با پیکار زنان جهان را به شما زنان دلیر و آزادی خواه ایران، که در شرایط دشوار حاکمیت قرون وسطایی مثنی مرتجع تاریک اندیش به پیکار خود برای آزادی و رهایی از اسارت طبقاتی و جنسی، همچنان به نبرد خود ادامه می دهید، تبریک می گوید، و در کنار شما، برایتان در این نبرد دشوار و سرنوشت ساز موفقیت آرزومندست.
امسال نود و یکمین سالی است که نیروهای مترقی و پیشرو

ادامه در صفحه ۳

ایجاد تشکل های مستقل کارگری، ضرورت مبرم در شرایط کنونی

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، «ایرنا»، روز ۱۴ اسفند با ارسال خبری از قول دفتر اطلاع رسانی ناحیه انتظامی اصفهان اعلام کرد، در جریان تجمع و راهپیمایی کارگران کارخانه سیمین اصفهان، ۲۵ نفر از معترضین به پرسنل انتظامی بازداشت شدند. به موجب اعلام یکشنبه شب این دفتر، در ساعت ۹ صبح یکشنبه تعداد ۵۰۰ نفر از کارگران کارخانه سیمین تحت عنوان اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایا ابتدا در مقابل کارخانه تجمع کردند. آنها سپس در مسیر خیابان های رودکی، دقیقی، شریعتی و آن گاه به سمت مرکز شهر، مبادرت به راه پیمایی کردند. عوامل انتظامی در نزدیکی چهار راه شریعتی - توحید در محل حضور یافته و به راهپیمایان تذکر دادند و آنها را به آرامش و متفرق شدن دعوت کردند. با این وجود، کارگران معترض، به تذکرات و اخطارهای مامورین مستقر در محل توجهی نکرده و تعدادی از آنان در حالی که با خود سنگ و میله های آهنی حمل می کردند، مبادرت به تعرض و حمله به سوی ماموران کردند. عوامل انتظامی نیز ناگزیر به کنترل جمعیت و جلوگیری از تعرض آنان شده و برای حفظ

ادامه در صفحه ۴

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران حزب توده ایران یورش ارتجاع به نیروهای ملی - مذهبی را بشدت محکوم می کند

را بشدت محکوم می کند و از همه نیروهای مترقی و آزادی خواه جهان می خواهد تا صدای اعتراض خود را بر ضد این اقدامات سرکوبگرانه قوه قضائیه «ولی فقیه» بلند کنند.
یورش مقامات قضایی رژیم، پس از سخنان سید محمد خاتمی، در مجلس شورای اسلامی، بار دیگر این مسأله اساسی را نشان داد که مماشات و تسلیم طلبی در برابر ارتجاع و مرتجعان حاکم هزینه سنگینی برای روند اصلاحات و نیروهای مدافع اصلاحات در میهن ما به همراه خواهد داشت. حزب ما در هفته های اخیر و خصوصاً در پی سخنان تحریک آمیز سید علی خامنه ای، در میان دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، هشدار داده بود که ارتجاع به فرمان «ولی فقیه» یورش گسترده بی را بر ضد جنبش مردمی تدارک دیده است. اقدام قوه قضایی رژیم در حالی که خاتمی، در سخنان خود در مجلس شورای اسلامی، همه نیروهای «خودی» را به پرهیز از «تشنج» و «بحران آفرینی» دعوت کرده بود، نشان می دهد که رهبران ارتجاع نه تنها اعتقادی به پرهیز از تشنج

ادامه در صفحه ۶

بر اساس گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران «ایرنا»، دوشنبه ۲۲ اسفندماه، نهضت آزادی با انتشار بیانیه یی از دستگیری ده ها تن از فعالان ملی و مذهبی خبر داده است. بر اساس همین گزارش، یکشنبه ۲۱ اسفندماه ۱۳۷۹، ماموران انتظامی رژیم شمار زیادی از فعالان ملی مذهبی، که به دیدار آقای احمد زید آبادی رفته بودند، با حکم مقامات قضایی دستگیر و به محل نامعلومی بردند. بر اساس گزارش ایرنا اسامی بازداشت شدگان به شرح زیر است: ۱. محمد بسته نگار؛ ۲. پدرام؛ ۳. دکتر حبیب الله پیمان؛ ۴. تقی رحمانی؛ ۵. بهمن رضا خانی؛ ۶. دکتر علیرضا رجبی؛ ۷. دکتر رئیس طوسی؛ ۸. دکتر حسین رفیعی؛ ۹. احمد زید آبادی؛ ۱۰. بهروز طیرانی؛ ۱۱. محمد عمرانی؛ ۱۲. دکتر نظام الدین قهاری؛ ۱۳. مرتضی کاظمیان؛ ۱۴. دکتر محمد محمد محمدی گرگانی؛ ۱۵. علی محمدی گرگانی؛ ۱۶. فاطمه گوارایی؛ ۱۷. محمد محمدی اردهالی؛ ۱۸. سعید مدنی؛ ۱۹. دکتر محمد ملکی؛ ۲۰. مرضیه مرتاضی لنگرودی و ۲۱. هاشمی.
حزب توده ایران، یورش مزدوران رژیم «ولایت فقیه» بر ضد نیروها و شخصیت های ملی و مذهبی

جنایات هولناک رژیم فاسد «ولایت فقیه» در مورد دختران و زنان میهن ما در ص ۵
مبارزه زنان بر ضد نولیبرالیسم در ص ۸

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری
برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

برگزاری مراسم ۸ مارس در ایران

دلیل تبعات و آثاری که این کنوانسیون ها در حقوق داخلی کشورها دارند با مقاومت روبرو می شود. منظور از «حقوق داخلی کشورها» در مورد رژیم ولایت فقیه قاعدتا چیزی جز مجموعه قوانین زن ستیزانه نباید باشد که با مقاومت بالاترین مقامات حکومت روبرو گردیده و به دلیل آثار زیان بار آن برای زنان مبارزه شورانگیزی را در میان این قشر میلیونی به همراه داشته است. صرف نظر از مسایل مطرح شده و محتوای سخنرانی ها که به این مناسبت در نقاط مختلف کشور بیان گردیده، نکته اصلی و مورد نظر این است که صرف برگزاری چنین مراسم و سخنرانی ها برای زنان حرکتی رو به جلو باید ارزیابی گردد. مطرح کردن بحث زنان چه با دید مترقی و چه با دید منفی و ارتجاعی در نهایت نشان دهنده اهمیت نقش و ظرفیت های زنان در مبارزات رو به گسترش آنان در عرصه های مختلف زندگی است که هیچ نیرویی بدون توجه به آن قادر به ادامه کاری نیست. ایجاد و بستر سازی مناسب برای استفاده از این ظرفیت ها و نقش علاوه بر اینکه به رشد و آگاهی هر چه بیشتر نیروهای مدافع زنان کمک می کند، باعث آن نیز می گردد که در معادلات سیاسی آینده کشورمان بر اهمیت نقش زنان به عنوان یک مسئله کلیدی نگرسته شود. امری که در گذشته ای نه چندان دور کمتر مورد توجه نیروهای سیاسی کشور بوده است.

با اینکه هنوز هم از نظر زن ستیزان حاکم بر میهنمان، ۸ مارس روز زن نیست، اما تحولات چشم گیر چندین ساله گذشته بر این واقعیت صحنه گذاشته است که مبارزه با زنان برای حاکمان مرتجع با چه دشواری هایی مواجه بوده است. اخبار و گزارش های رسیده از ایران حاکی است در روز ۸ مارس زنان آزاده و شجاع با اجرای مراسم های مختلف به بزرگداشت این روز خجسته دست زده اند. بنا به یک گزارش، روز پنجشنبه ۸ مارس در تهران در خانه هنرمندان، ۸ مارس روز جهانی زن از سوی زنان غیر وابسته به حکومت گرامی داشته شد و از چهار زن برجسته ایرانی خانم ها سیمین بهبهانی، مهر انگیز کار، شیرین عبادی و شهلا لاهیجی که هر سه بخشی از روزهای سال ۱۳۷۹ را در زندان های رژیم جمهوری اسلامی گذراندند، تجلیل و قدردانی شد. این مراسم توسط مرکز تازه تاسیسی بنام مرکز فرهنگی زنان به همت زنان فعال مستقل برگزار گردید و مورد استقبال بیش از هزار تن قرار گرفت. بزرگداشت روز زن در سه سالن متعلق به خانه هنرمندان ایران برگزار شد و شامل برنامه های سخنرانی، نمایشگاه کتاب، نقاشی، موسیقی و میزگردهای مختلفی بود. به گزارش ایسنا، جمعه ۱۹ اسفند به همت معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی فارس به مناسبت روز جهانی زن جلسه سخنرانی دکتر جمیله کدیور و الهه کولایی نیز برگزار شد. بنا بر همین گزارش کولایی در مورد عدم پیوستن جمهوری اسلامی به کنوانسیون رفع تبعیض زنان گفت: این امر به

نگاهی به رویدادهای ایران

در هفته ای که گذشت

آموزش و پرورش در «نظام نمونه جهان»

خبری غم انگیز و تاسف آور که توجه کمتر کسی را برانگیخت. روزنامه دوران امروز، پنجشنبه ۱۸ اسفند نوشت: «وزیر آموزش و پرورش از حادثه فروریختن دیوار مدرسه در روستای صومای بردوست بخش سروی استان آذربایجان غربی که منجر به فوت ۵ دانش آموز شد ابراز تاسف کرد. وزارت آموزش و پرورش ضمن ابراز همدردی با خانواده های داغ دیده و آرزوی شفای مجروحان این حادثه غم انگیز اعلام می دارد بخشی از دانش آموزان عزیز کشورمان در حال حاضر در بیش از ۷ هزار آموزشگاه خشت و گلی، کپری و چادری و نیز در حدود ۵ هزار واحد آموزشی با قدمت بیش از چهل سال به تحصیل اشتغال دارند که با توجه به شرایط جغرافیایی و قراردادن کشور در یکی از مناطق زلزله خیز جهان امکان وقوع حوادث ناگوار دیگری وجود دارد که ممکن است جان نوجوانان دیگری از این مرز و بوم را تهدید نماید. با توجه به مشکلات، تا پایان برنامه سوم توسعه به بیش از ۲۷۰ هزار کلاس درس نیاز است و علیرغم اختصاص اعتباراتی که دولت برای احداث مدارس می کند به هیچ وجه بدون مشارکت مردم، ارگان ها و نهادهای رفیع مشکل ناشی از کمبود فضای آموزشی و بازسازی فضاهای غیر مطلوب مقدور نیست. «چندی پیش در اعتراض به وضعیت نگران کننده دختران دانش آموز که ناشی از فعالیت های ورزشی آنها با حجاب کامل بوده است و همین امر بیماری های پوستی را به دنبال داشته است، دست اندرکاران تاریک اندیش رژیم ولایت فقیه، برای چاره جویی این معضل گریبانگیر دختران دانش آموز، پیشنهاد دادند که سقف های متحرک بر روی مدارس دختران نصب شود تا هنگام ورزش دختران بتوانند آزادانه و بدون حجاب مبادرت به حرکات ورزشی بکنند. گرچه چنین ایده های ارتجاعی از طرف علم ستیزان و ذوب شدگان در ولایت چیز عجیب و دور از انتظاری نیست، اما استناد به همین اطلاعیه وزارت آموزش و پرورش این سؤال را به وجود می آورد که با توجه به تنگناهای مالی قید شده در اطلاعیه، چرا بایستی چنین ایده هایی ارتجاعی مجال مطرح شدن بیابند. واقعیت آن است که از نظر و بینش مرتجعان حاکم این نه کلاس های کپری، خشتی و کاملاً خارج از استاندارد، بلکه همان تار موهای دخترکان معصوم و بی گناهی است که در صورت اختصاص یافتن بودجه در اولویت قرار دارند. حوادث دلخراشی که در هر گوشه ای از کشورمان احتمال آن بسیار بالا می باشد، ناشی از پیامدهای چنین بینشی بوده است. کودکان معصومی که اکنون در زیر خاک خفته اند قربانیان دیگر رژیم ولایت فقیه هستند. در رژیم ولایت فقیه، محل سکونت سردمداران رژیم و زندان های مخوف که برای آزاد اندیشان تدارک دیده شده است دارای دیوارهای مقاوم و ضخیم هستند. اولی برای حفظ امنیت بیشتر چپاولگران و دومی برای لاپوشانی جنایات بی شمارشان در حق کسانی که علم مخالفت با آنها را برافراشته اند. در این زمینه سخنان افشاگرانه ریعی مشاور اجتماعی رییس جمهور در مورد چپاولگران که «آقازاده ها» نام گرفته اند گویای وضعیتی است که گریبان گیر مردم شده است. در حالی که فرزندان جنایت کاران بر راس قدرت نشسته در صدد چپاول هر چه بیشتر ثروت عمومی به نفع خودشان می باشند، کودکان و آیندگان میهن در کنار دیوارهای سست و آن چیزی که محیط های آموزشی نام گذاری شده به قربانگاه مرگ فرستاده می شوند. آیا پایانی بر همه این جنایات خواهد بود؟ سفاک ترین حاکمان تاریخ هم نیز تاکنون نتوانسته اند بر نیروی مردم غلبه کنند.

مقوله امنیت و رژیم

ولایت فقیه

روزنامه «انتخاب» شنبه ۱۳ اسفند با تیتر درشت در صفحه اول خود نوشت: «صفوی: دست هر متجاوزی به جزایر ایران قطع می شود» این روزنامه در ادامه سخنان فرمانده سپاه پاسداران را آورده که گفته: «اگر کسانی با تحریک بیگانگان بخواهند در اظهارات و بیانه های رسمی به یک وجب از جزایر و یا سواحل ایران اسلامی دست درازی کنند بدانند که فرزندان این کشور در قالب عاشوراییان دست هر متجاوزی را قطع خواهند کرد.» صفوی در جایی دیگر گفت: «جان بر کفان بسیجی پشتوانه و ضامن امنیت، اقتدار ملی و دفاع همه جانبه از ایران اسلامی هستند.» البته این برای اولین بار نیست که چنین سخنانی از طرف یک مقام امنیتی رژیم ولایت فقیه در رابطه با اقتدار و امنیت ملی مطرح می شود. از سوی دیگر سخنان صفوی کبیبه برداری از رجز خوانی های بوج و توخالی سرکوب گران و عمال آنها در بیشتر نقاط جهان می باشد. چه آن چیزی که صفوی و امثال صفوی سعی در القای آن به توده ها را دارند

اصولاً در مقوله امنیت بدون پایه و خالی از هرگونه محتوا می باشد. البته اینجا بحث بر سر اختلاف ایران و امارات بر سر سه جزیره نیست بلکه شکافتن مقوله امنیت از دید کسانی است که بر اریکه قدرت در ایران تکیه زده اند. کسانی که رویدادهای ایران را پیگیری می کنند مطمئناً در جریان رویدادهای مناطق شرقی کشورمان قرار دارند. بنا به اخبار منتشر شده توسط روزنامه های مجاز و اظهارات مقامات مسئول در این منطقه از میهن ناامنی های عدیده ای دامن گیر رژیم شده است و به تبع آن مشکلاتی را نیز برای اهالی ساکن در آن مناطق به همراه داشته است. اقداماتی که از غارت و گروگان گیری تا قتل و کشتار گسترش یافته است. رژیمی که ادعای مبارزه با امپریالیسم را دارد و بنا به همین گفته های صفوی فرمانده سپاه پاسداران دست هر متجاوزی را کوتاه خواهد کرد، چگونه است که از امنیت مرزهای شناخته شده میهن در مقابل آن چیزی که آنها اشرا و قاچاق چی می نامند عاجز مانده است. علاوه بر آن در رژیم ولایت فقیه امنیت معنای خاص خود را دارد. امنیت برای چپاولگران و بر ضد توده ها. سپاه پاسداران، نیروهای بسیج و نیروهای انتظامی ابزاری برای حفظ کنترل

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت هشتم مارس ...

مستقل و صنفی خود، نیازمندست. بی توجهی جدی بخش مهمی از نیروهای ائتلاف جبهه دوم خرداد، و در برخی موارد تأیید سیاست های زن ستیزانه تاریک اندیشان حاکم، خصوصاً از سوی نیروهای سنتی این جبهه، همچون «مجمع روحانیون مبارز»، بحق نگرانی های بسیاری را در میان فعالان جنبش زنان برانگیخته است. فزونی یافتن شمار زندانیان سیاسی زن دگراندیش، که در ماه های اخیر بدست «قضات» ولی فقیه، به بهانه های گوناگون و سراسر واهی، به زندان و شکنجه گاه ها اعزام شده اند و بی عملی رهبران جبهه دوم خرداد در مقابله با این تهاجم بر این نگرانی افزوده است. از این رو حرکت به سمت ایجاد تشکل های مترقی، دموکراتیک و مستقل، که با برنامه مشخص و در راه تحقق حقوق پایمال شده زنان میهن ما حرکت کنند، در اوضاع کنونی، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

زنان مبارز!

جنبش مردمی به حرکت خود در راه اصلاحات، در راه استقرار آزادی و عدالت اجتماعی و در راه طرد رژیم استبدادی «ولایت فقیه»، بررغم همه تهاجمات و یورش های مرتجعان، برای سرکوب آن، ادامه می دهد، بسط می یابد و نیرومند تر می گردد. سران رژیم «ولایت فقیه» خوب می دانند که ادامه این جنبش نیرومند اجتماعی برای اصلاحات چیززی نیست جز آغاز روندی که به پایان حکومت ارتجاع در میهن ما منجر خواهد شد، و از همین روست که در ماه های اخیر با تشدید حملات خود در صدد تا با ایجاد تفرقه و چند دستگی و گستردن جو وحشت و سرکوب خونین در جامعه زمینه را برای متوقف کردن روند اصلاحات و بازگرداندن اوضاع به پیش از دوم خرداد ۱۳۷۶ مهیا کنند.

میهن ما در ماه های آینده خود را برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۰ آماده می کند. هدف مرتجعان ایجاد آنچنان اوضاعی است که بتوانند با لگد مال کردن حقوق و خواست های مردم انتخاباتی فرمایشی، از آن نوع که سالها رفسنجانی ها و مرتجعانی همچون او را از صندوق ها بیرون می آورد برگزار کنند. باید با تمام توان در مقابل این خواست ارتجاع ایستادگی کرد. آمادگی و سازمان یافتگی لازم برای درهم کوبیدن مقاومت ارتجاع و مقابله در برابر یورش های روهه تزیاید آن بر دستاوردهای محدود چهار ساله اخیر جنبش به خاطر ادامه اصلاحات مهم ترین وظیفه ای است که در برابر مردم و خصوصاً زنان آزادی خواه میهن ما قرار دارد.

زنان آگاه و پیشرو

توده ای ها نزدیک به شصت سال است که پیگیرانه در راه تحقق حقوق زنان میهن ما پیکار می کنند. دست یابی زنان به حق رأی، ایجاد تشکل های صنفی پیشرو و روشنگری اجتماعی - سیاسی، در فضای فوق العاده عقب مانده جامعه ما، از جمله دست آوردهایی است که حزب توده ایران، و خصوصاً زنان توده ای، به آن می بالند. امروز نیز همچون گذشته، حزب توده ایران خود را بخش جدایی ناپذیری از پیکار زنان میهن ما در راه آزادی و رهایی از ستم جنسی و طبقاتی می داند، و اعتقاد عمیق دارد که تحقق آزادی و استقرار جامعه مدنی، بدون تحقق حقوق زنان میهن ما ممکن نیست. جنبش مردمی، کارگران و زحمتکشان، دانشجویان، جوانان و زنان رزمنده و آگاه میهن ما، در طول تاریخ طولانی و پرافتخار پیکار در راه رهایی میهن، نشان داده اند که در صورت اتحاد عمل، سازمان یافتگی و انسجام این توان را دارند که بزرگ ترین سدها را از سر راه بردارد. هشت دهه پیکار قهرمانانه زنان دلیر میهن ما نشان داده است که زنان گردان اساسی و جدا ناپذیر جنبش مردمی برای اصلاحات، آزادی و استقلال اجتماعی در میهن ما هستند و نبرد زنان میهن ما در کنار سایر نیروهای اجتماعی مدافع تحولات بنیادین تا پیروزی نهایی همچنان ادامه خواهد یافت.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۶ اسفندماه ۱۳۷۹

هشتم مارس، هر ساله با شکوه بیشتری در سراسر جهان برگزار می شود. جنبش زنان از آن روزهای آغازین قرن بیستم تاکنون، راه دراز و تحسین برانگیزی را پیموده است. زنان میهن ما نیز امسال نزدیک به هشت دهه است که بررغم عقب ماندگی شدید اجتماعی و فرهنگی حاکم بر ایران، روز هشتم مارس را به عنوان روز جهانی زنان برگزار می کنند و توانستند تا آستانه انقلاب بهمن ۱۳۵۷، گام های مهمی را در راه ارتقاء نقش زنان در جامعه بردارند. تأثیر اساسی زنان در پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷، نشانگر رشد چشمگیر جنبش زنان در میهن ما، در هشت دهه تلاش و پیکار خستگی ناپذیر آن است. تصور پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ بدون حضور و فعالیت چشمگیر زنان دوشادوش مردان، در سنگرهای گوناگون، از پیکار مسلحانه روزهای ۱۹ تا ۲۲ بهمن تاراه پیمایی های میلیونی که زنان در صفوف نخست آن قرار داشتند، برداشتی نادرست و غیر منطبق با واقعیات تاریخی خواهد بود. رهبران انقلاب، با وجود قول هایی که در زمینه احترام به حقوق زنان، در دوران پیش از بدست گرفتن کامل قدرت، داده بودند، خیلی سریع، با پشت کردن به آماج های انقلاب و با زیر پا گذاشتن خواست های میلیون ها زن ایرانی، رژیم مستبد، قرون وسطایی و عمیقاً زن ستیز را بر میهن ما حاکم کردند و فاجعه ای که امروز در ایران شاهد آن هستیم را پدید آوردند. فاجعه ای که در آن حقوق زنان میهن ما در عرصه های گوناگون، از زندگی شخصی تا زندگی اجتماعی به خشن ترین شکل ممکن زیر پا گذاشته می شود و زنان به صورت رسمی به عنوان موجودات «درجه دوم» جامعه از بسیاری از حقوق اولیه انسانی خود محروم شده اند.

بررغم تلاش سران رژیم برای به کنار راندن زنان از عرصه های گوناگون اجتماعی و تحمیل نقش ارتجاعی «برده های خانگی» به آنان، پیکار بیست و دو ساله زنان میهن ما پس از پیروزی انقلاب بهمن نشان داد که ریشه های عمیق اجتماعی جنبش زنان میهن ما و ارتباط گسست ناپذیر آن با نبرد برای آزادی و عدالت اجتماعی در ایران اجازه نخواهد داد تا خواست های مرتجعان حاکم تحقق یابد.

زنان آزادی خواه ایران

رویدادهای پنج سال گذشته، عامل موثری در رشد و گسترش پیکار شما بر ضد قوانین ارتجاعی و زن ستیز حاکم بر میهن ما و تلاش در راه سازمان دهی مبارزه مشترک در این راه بوده است. نقش برجسته و سرنوشت ساز شما در همه پرسی های گوناگونی که در جامعه ما رخ داده است، از انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ۱۳۷۶، تا انتخابات مجلس شورای اسلامی، در بهمن ۱۳۷۸، و تلاش تحسین برانگیز شما زنان پیشرو جامعه ما در سازمان دهی فعالیت های صنفی، فرهنگی و اجتماعی برای بسط و گسترش آگاهی، خصوصاً در میان زنان محروم، و همچنین رشد چشمگیر نقش و مبارزه در نبردهای طبقه کارگر ایران برای احقاق حقوق پایمال شده خود و جنبش دانشجویی و جوانان میهن ما بر ضد ارتجاع حاکم، نمونه های مستند و نیرومندی از پیشروی جنبش زنان میهن ما، بررغم تمامی سدها و دشواری هاست.

شرکت سازمان یافته زنان در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، که به اعتراف سران رژیم نقش قاطع و سرنوشت ساز در شکست نامزد رسمی رژیم «ولایت فقیه» در این انتخابات داشت، در کنار پیروزی بزرگ نامزدهای انتخاباتی زن در انتخابات شوراهای شهر و روستاها و همچنین تلاش و فعالیت سازمان یافته زنان در جریان انتخابات ۲۹ بهمن ۱۳۷۸، که به شکست سنگین مرتجعان منتهی شد، در عین حال نشانگر تضحیح گیری جنبش نیرومند اجتماعی بی است که بی شک می تواند و باید مهر و نشان خود را بر رویدادهای آینده میهن ما ثبت کند. چهار سال پس از رفراندوم تاریخی دوم خرداد ۱۳۷۶، که در آن بیش از بیست میلیون ایرانی، و از جمله میلیون ها زن میهن ما بر ضد سیاست های «هرچه بیشتر اسلامی کردن ایران» و سیاست های زن ستیز رژیم آرای خود را به صندوق ها ریختند، هنوز سیاست های کلان رژیم در همه عرصه های اجتماعی و اقتصادی همان سیاست های پیش از دوم خرداد است و سران مرتجع رژیم توانسته اند با بهره گیری از ضعف و مماشات «نیروهای خودی» مدافع اصلاحات و عدم سازمان یافتگی جنبش بهره جویند و اجازه ندهند تا خواست مردم میهن ما در زمینه استقرار حقوق و آزادی های دموکراتیک تحقق یابد. تجربه چهار سال گذشته همچنان نشان داده است که بررغم پیشرفت در زمینه سازمان دهی جنبش زنان که ما نمونه های درخشان آن را در سال گذشته و امسال در برگزاری باشکوه صدها جشن هشتم مارس در سراسر ایران شاهد بودیم، جنبش زنان بیش از هر امری، به سازمان یافتگی، تشکیل سازمان های

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامهٔ ایجاد تشکل های مستقل کارگری، ضرورت ...

ارتباط نزدیکی که با نظام جمهوری اسلامی داشتند ... و با انسجامی که از طریق خانه کارگر و اثرات رهنمود های شهید بهشتی [اعتراف به نقش ارتجاعی عناصری همچون بهشتی] صورت گرفت بهترین و مقتدرترین تشکل ها را بعد از پیروزی انقلاب بوجود آوردند» و سپس نصیحت به کارگران دربارهٔ اینکه: «امروز نباید کارگران و تشکل های آنان پیگیر مسایلی باشند که سال ها دنبال کرده اند [منظور تشکل های مستقل صنفی] و نتیجه هم نگرفتند. بلکه بدون اینکه یاس و ناامیدی بخود راه دهند تلاش کنند تا چاره جویی و عمل جایگزین چراها و شعارهای بی حاصل شود.» (به نقل از کار و کارگر، ۱۷ آبان ۱۳۷۹). دو نکتهٔ اساسی در این سخنان خود نمایی می کند. اول اینکه یک مقام مسئول رژیم تلویحاً اعتراف می کند خانه کارگر و تشکل های شبیه به آن روز به روز در میان کارگران بیشتر منزوی می شوند و دوم اینکه سردمداران رژیم با ایجاد تشکل های مستقل کارگری شدیداً مخالفند. محمد عطاریان، دبیر کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران، در مصاحبه بی در تلاش برای تئوریزه کردن ضرورت پرهیز از مبارزه برای کسب حقوق و متشکل شدن، ضرورت پیوستن به «نظم نوین جهانی» و «کشورهای در حال توسعه»، ضمن حمله به کارگران و زحمتکشان می گوید: «وقتی در سطح جهان همان گفت و گوی تمدن ها را مطرح می کنیم، درست نیست در مملکت خودمان طبقات مختلف با هم مذاکره نکنند... دنیای امروز دنیای کسب مهارت، تخصص و تبادل اطلاعات است، دنیای جنگ طبقاتی نیست...»

کارگران و زحمتکشان میهنان بعد از چندین سال مبارزه حاد و پرتنش و تجربه غنی از این مبارزات، آماده اند تا از همه روش های اعتراضی موجود برای احقاق حقوق خود بهره جویند. مزدوران رژیم ممکن است امروز به دلیل پراکندگی و عدم سازمان دهی، با «اوباش» خواندن زحمتکشان و اتهام های واهی خشونت طلبی قادر باشند چند صباحی به سرکوب راه پیمایی های به حق کارگران و زحمتکشان بپردازند، اما همانطور که روند اعتراضات کارگری تاکنون نشان داده، مسلماً روزی خواهد رسید که در زیر گام های استوار توده های رنج و زحمت به زبونی و خواری گرفتار آیند. طبقه کارگر مصمم و قاطعانه و بدون ماشات و سازشکاری راه پر پیچ و خم جنبش توده ها را با راهبری خود هموار می سازند. نیروهایی که تضییق و بی توجهی به این طبقه را سرلوحه برنامه های خود قرار داده اند، روزی باید تاوان سنگینی برای آن بپردازند.

عمده ترین و برجسته ترین نقطه ضعف جنبش کارگری و سندیکایی میهن ما در اوضاع بغرنج و حساس کنونی ضعف در سازماندهی، تشکیلات، ارتباطات و همبستگی است. از این رو مهمترین و عاجل ترین وظیفه فعالان جنبش کارگری و نیروهای پیشرو رفع این معضل و تلاش در راه ایجاد تشکل های مستقل صنفی است. بدون وجود یک مرکز رهبری برای سازماندهی اعتراض های پراکنده کارگری، و در اوضاعی که ارتجاع تهاجمات خود را بر ضد جنبش مردمی و کارگران و زحمتکشان گسترش می دهد، آینده بی نا روشن و مبهم در مقابل جنبش کارگری میهن ما وجود دارد.

ادامه نگاهی به رویدادهای ایران

اوضاع به نفع سرکوبگران می باشند. به همین دلیل با ایجاد و سازمان دهی دستجات مزدور از درون این نیروها در سراسر کشور حمله به دانشجویان، سخنرانی ها، فعالان و اجتماعات سیاسی به مورد اجرا در می آید. برای رژیم ولایت فقیه عدم امنیت نه ادعاهای امارات و نه فعالیت آشکار نیروهای درگیر با مواد مخدر و غیره که رشد و آگاهی توده ها است. به همین دلیل است که تاکنون تنها یک قسمت از سخنان صفوی مبنی بر بریدن زبان ها و قطع دستان که مدتها پیش بر ضد روزنامه نگاران، دانشجویان و فعالان سیاسی زده شد صورت تحقق پیدا کرده است. معنای کامل امنیت از دید صفوی و دیگر سران رژیم در این راستا باید مورد ارزیابی قرار گیرد.

و نظم و امنیت نسبت به دستگیری تعداد ۲۵ نفر از معترضین و پرتاب کندگان میله و سنگ به سوی مامورین اقدام کردند. بازداشت شدگان، برای طی مراحل قانونی بعدی به یگان انتظامی وابسته تحویل شدند. این نخستین بار نبود و آخرین بار نیز نخواهد بود که ارگان های سرکوبگر رژیم حرکت آرام زحمتکشان جان به لب رسیده را مورد تهاجم قرار می دهند و عده بی را نیز بازداشت می کنند. در یکسال گذشته ما بارها شاهد اینگونه رخدادها بوده ایم. از جمله می توان به ضرب و شتم شدید کارگران اعتصابی کارخانه کفش سه ستاره اشاره کرد. در تاریخ اول آذر ماه ۱۳۷۹، کارگران با آرامش کامل در مقابل وزارت صنایع تجمع کردند و خواستار دریافت دستمزد های عقب مانده خود شدند. این تجمع مسالمت آمیز کارگران با حمله سازمان یافته مزدوران بسیج و حراست برهم زده شد. روزنامه کار و کارگر در تاریخ ۲ آذرماه ضمن درج گزارش این تجمع نوشت: «دیروز یکبار دیگر ۲۰۰ تن از کارگران کفش سه ستاره در محل وزارت صنایع تجمع کردند... اما این بار پناه آورندگان به وزارت صنایع کتک خوردند... لباس هایشان پاره شد و اعضای بدنشان زخمی شد... یکی از کارگران گفت من ۹ ماه است حقوق دریافت نکرده ام و شرمنده زن و بچه خود هستم. بطور دولت می تواند با ۱۵۰ کارگر اینطور برخورد کند، اما با یک صاحب کارخانه قادر نیست برخورد کند. بعد از ۹ ماه کار حتی یک دهشاهی حقوق به من پرداخت نشده است. مسئول کیست؟ در حالی که با کتک از ما پذیرایی می کنند مدافعان حقوق کارگران مشغول چه کاری هستند؟» همچنان که اشاره رفت مواردی از این دست بسیار است. کارگران اعتصاب می کنند، دست به راه پیمایی می زنند، مورد ضرب و شتم قرار می گیرند، بازداشت می شوند، به زندان انداخته می شوند، اما حرکات اعتراضی آنان با کامیابی های محسوس همراه نیست.

وضعیت اسف انگیز کارگران و زحمتکشان که در صف مقدم قربانیان سیاست های اقتصادی خانمان برانداز رژیم قرار گرفته اند هر روز نسبت به روز پیش به سوی هر چه بیشتر وخیم تر شدن پیش می رود. سیاست های ضد تولیدی رژیم که در انطباق با روش های چپاولگرانه سردمداران رژیم ولایت فقیه میزان گردیده، چاره ای به جز اعتراض های گسترده و مستقل از نهادهای حکومتی را نزد توده کار و زحمت به عنوان تنها گزینه مطمئن و مضمّن ثمر بر جا نگذاشته است. سکوت و بی توجهی عمدی به وضعیت کارگران و دیگر زحمتکشان میهن ما در حالی صورت می گیرد که در مقابله با جنبش مردمی یکی از طرفدایان مورد استفاده برای سرکوب همین جنبش تکیه بر همین معضل بزرگ یعنی وضعیت معیشتی مردم است.

نکته بی که به گمان ما توجه اساسی به آن ضروری است، این سؤال است که چرا بررغم این همه حرکات اعتراضی کارگران، هنوز کارگران میهن ما نتوانسته اند از آنچنان نیروی متشکلی برخوردار باشند که رژیم جرات اینگونه تهاجمات به آنان را نداشته باشد. در هر حرکت اعتراضی کارگران در سال گذشته که نتوانسته از کامیابی چندانی برخوردار باشد، این ویژگی برجسته به چشم می خورد که در این حرکت ها همبستگی کارگری از سوی سایر مراکز تولیدی، حتی در سطح محلی وجود نداشته است. بی گمان نبود مجموعه تشکل های مستقل صنفی که بتواند در سطح کشور مطالبات کارگران و زحمتکشان را سازماندهی و هماهنگ نماید، نقطه مرکزی در تحلیل علل ناکامی جنبش کارگری - سندیکایی در دوران حاضر است. این واقعیت امروز در میان کارگران و فعالان جنبش کارگری میهن ما به موضوعی اساسی و ضرورتمند تبدیل شده است و سران رژیم «ولایت فقیه» نیز از این امر با خبر و سخت نگرانند. اواسط آبان ماه سال جاری، علی شیخی، مدیر کل سازمان های کارگری و کارفرمایی وزارت کار، در گردهمایی اعضای شورای اسلامی کار، منطقه کرج به مسأله خواست جدی زحمتکشان دربارهٔ ایجاد تشکل های مستقل صنفی و انزوای روز افزون نهادهای رسمی و زرد همچون خانه کارگر پرداخت و اظهار داشت: «انسجام و اتحاد تشکل های کارگری و حفظ پایگاه آنان بین کارگران راه را برای بوجود آمدن زمینه ارباب و رعیتی می بندد... کارگران به لحاظ

واقعیت های تلخ و وحشتناک!

جنایات هولناک رژیم فاسد «ولایت فقیه» در مورد دختران و زنان میهن ما!

سازمان دهی و تشکل نیاز مبرم جنبش زنان

سفر به بندر عباس از ازدواج دختر ۹ ساله ای با یک مرد ۶۰ ساله با خبر شدم. این مسایل در کشور کم نیستند. آیا نباید جلوی چنین فجایعی را گرفت؟ (ایسنا، دوشنبه ۲۳ آبان ۱۳۷۹)

خانم مهرانگیر کار، می نویسد: «قوانین ایران نه تنها مجوزهای لازم را جهت خشونت علیه زنان در اختیار می گذارد، بلکه چنان تدوین شده که در مراحل اجرایی، به سهولت ضد زن عمل می کند، و اصل برائت را در زندگی زنان می شکند. قانون گذار، تعاریف مبهم و قابل تفسیر و چند پهلو از برخی جرایم که اغلب جنبه ناموسی دارد و مرتبط با عفت عمومی است، ارائه می دهد و هر جا ابهام به موازین فقهی و دینی سپرده می شود که خود بر ابهام می افزاید... در نتیجه باید اعلام کرد که قوانین ایران از دو جنبه مخل امنیت زنان است: اولاً سنگینی بار خشونت بر شانه زنان است و ثانیاً در مراحل اجرایی، برخی از مجریان قانون به علت آن که طی قرن ها، ارتجاعی ترین برداشت ها و تفاسیر دینی در اذهان عمومی رسوخ کرده است، همواره در جریان جرایمی که انگیزه ناموسی و آبروخواهی دارد، زنان را زودتر از مردان بر کرسی اتهام می نشاندند و مجازات می کنند!» (به نقل از نشریه جنس دوم، کتاب اول، نشر توسعه، تهران ۱۳۷۷)

متأسفانه در عرصه زنان، برغم بسترهای عینی مناسب، تلاش درخور توجهی صورت نگرفته است. پدیده اعتیاد، خودکشی، خودسوزی، فسادگسترده و فحشا، فرار دختران از خانه و... در میان دختران و زنان ایران، به نحو فزاینده و وحشتناکی رو به افزایش است که بدون شک مشخصه اصلی آن ناشی از پیامدهای سیاستی است که زن سئیزی در رژیم «ولایت فقیه» از نمونه های مشخص آن است. در چنین شرایط حاد و حساسی، ضرورت تشکل ها و انجمن های صنفی، در عرصه امور زنان، به دلیل وسعت و گستردگی آن در سطح مطالبات، از عرصه های بسیار مهمی است که زنان مبارز و فعالان سیاسی بخصوص در داخل ایران باید توجه جدی به آن داشته باشند. تجربه های تاریخی گذشته نشان داده است که وجود تشکل های زنان حتی برای مدت کوتاه تأثیرات شگرفی به نفع زنان و در نتیجه تمامی جامعه داشته است. پیروزی از آن زنان و مردان مبارزی است که دوش به دوش یکدیگر برای آزادی و عدالت اجتماعی می رزمند.

ادامه رویدادهای جهان

ناگهان سیاست جدیدی را در تطابق با سیاست های بوش، که بعنوان راست میانه معروف است، در پیش گرفته است، سیاست هایی که خواهان تشدید مسابقه تسلیحاتی است. قشی را که بلر بازی می کند میانجیگری بین قدرت مطلق امریکای شمالی، ایالات متحده، و اتحادیه اروپا است. وی تلاش می کند تا اختلاف عمیقی را که بین دو بلوک تجاری بزرگ بوجود آمده است کاهش دهد. بلر در این مورد اظهار نظر جالبی کرده است، او میگوید: زمانی که ما در کنار یکدیگر هستیم، هر دو طرف آتلانتیک... در اغلب مواقع غالب می شویم و آنچه را که درست و بجاست انجام می دهیم. منظور بلر آن است که زمانی که بلوک های امریالیستی اختلافات خود را کاهش می دهند، توانایی آن را دارند که نیروهای نظامی هر کشوری را که در برابر دستورات آنها ایستادگی می کند، در هم بکوبند. تجربه اخیر در یوگسلاوی و عراق از بارزترین نمونه های سخنان بلر است. آنچه که بلر بدنبال آن است سلطه بی چون و چرا ی سرمایه داری است که بوسیله آن نظرات قدرت های بزرگ دیکته می شود.

واپس گریان ذوب در رژیم «ولایت فقیه» در هر عرصه یی که کوچکترین نشانی از تلاش زنان برای پیشرفت و دفاع از حقوق اجتماعی شان، وجود داشته باشد، با توسل به قوانین و احکام مرتجعانه و منسوخ در جهان متمدن امروز، در صدد برمی آید سدی در برابر آن ایجاد کنند. شرایط زندگی دختران و زنان، یعنی نیمی از جامعه ما در رژیم ضد مردمی «ولایت» چنان فاجعه بار و دردناک است که می توان آن را در تاریخ معاصر ایران به عنوان یک نمونه شرم آور و مثال زدنی، توصیف کرد. روزنامه «ایران»، به تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۷۹، از قول فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ نوشت: «هم اکنون ۲۰۰۰ دختر فراری در تهران هستند که از سرنوشت آنها خبری در دست نیست. باندهای مختلف در کمین هستند، از دختران فراری برای توزیع مواد مخدر، دزدی، فحشا، اخاذی و مهم تر از همه، جراحی روی بدن آنها، جهت خارج کردن کلیه، کبد، و... استفاده می شود. هر چند یکبار، جسد دختران مجهول الهویه در گوشه و کنار شهرهای بزرگ، به خصوص تهران، کشف می شود.» علی خزعلی، با انتقاد از سیاست های فرهنگی موجود، انگار که سیلابی عظیم یا زلزله بی ویران کننده در راه است، «وامصیبتا» سر می دهد که «در قم گفتند باید بت شکنی کرد، ولی جلویشان را گرفتند (!)، مدارس موسیقی باز کردند (!)، دختر جوانی را دیدم که ویلن در دست کنار خیابان حرکت می کرد (!)... فتاوی فقها کجا رفته؟» (ایسنا، چهارشنبه ۲۳ آذر ۷۹)

مسئله خزعلی و کوتوله های فکری دیگری نظیر او، از آماری که از دختران فراری، یا زنان گرفتار اعتیاد و فحشا، و زنانی که از امامداد تا شامگاه برای ارتزاق خود و خانواده مجبور به کارهای سخت و طاقت فرسا هستند، یا خرید و فروش دختران و زنان، به شیخ نشینان خلیج فارس و... بی اطلاع نیستند. منتها این «جزئیات» بی اهمیت و پیش پا افتاده! مواردی نیستند که به بارگاه «هارون الرشید» وار آنان خدشه وارد سازد، اما تلاش برای یک زندگی سازنده توأم با آگاهی که پایه های قدرت اهریمنی آنان را لرزان می سازد، نیازمند «فتاوی» سرکوب گرانه و ددمنشانه است. این «اشغالگران» ویران گر میهن ما، حتی تاب دیدن یک لبخند شادی را بر گوشه لبان یک مادر، یا یک شاخه گل در دست های کوچک یک دختر، ندارند.

خبرگزاری ایسنا، در تاریخ ۲۸ شهریور ۱۳۷۹، به نقل از معاون فرهنگی - تربیتی سازمان زندان های جمهوری اسلامی گزارش داد: «از همه کسانی که به عفاف، غیرت و شرافت فکر می کنند، استمداد طلب می کنم، بنیاد خانواده در حال فروپاشی است. در ایران هر ۵۹ دقیقه یک نفر وارد زندان می شود، که بیش از ۳ تا ۴ درصد آنها زن هستند. اطلاع یافتن از وضعیت دختران ۱۵ تا ۱۸ ساله که در کانون اصلاح و تربیت نگهداری می شوند، یا زنانی که در سنین ۵۰ تا ۷۰ سالگی در زندان هستند، آرامش فکری هر انسان دردمندی را به هم می زند.»

حقیقت این است که مخالفت گسترده حاکمیت ارتجاع با احقاق حقوق ابتدایی دختران و زنان میهن ما، ریشه در بالاترین نهادهای حکومتی داشته و دارد. حتی با نگاهی گذرا به نشریه ها، و شنیدن سخنان تحلیل گران مسایل اجتماعی و سیاسی می توان به آسانی، بنیادی ترین علل این فشارهای اجتماعی، روانی و نابسامانی زندگی دختران و زنان ایران را دریافت: فقر، بیکاری، عدم دادرسی قوانین به ویژه قوانین مربوط به ازدواج، ازدواج موقت، سن ازدواج، طلاق، عسر و حرج، مهریه، حضانت کودکان، ولایت قهری، عدم امنیت شغلی، عدم رعایت حقوق بشر، موانع مشارکت زنان در امور اجتماعی و فرهنگی، هنری، ورزشی، کمبود امکانات رفاهی، تفریحی سالم (به ویژه در شهرستان ها)، ستم مضاعف در خانه و در محل کار، حجاب تحمیلی از سوی چماق داران «ولایت فقیه»، آزارهای جسمانی، روانی و معضلات اقتصادی که ارتباط مستقیم با فرار دختران از خانه دارد، و بسیاری مشکلات دیگر...

به گزارش ایسنا، دوشنبه ۲۳ آبان ۷۹، یک پژوهش گر امور زنان، در یک سخنرانی راجع به خشونت بر ضد زنان، گفت: «بر اساس مطالعاتی که در داخل کشور، از آن جمله کردستان و بلوچستان صورت گرفته، عمدتاً زنان ابراز داشته اند که از جانب پدران و شوهرانشان تنگ می خورند... در کردستان و سیستان و بلوچستان کثیری از زنان به ازدواج های اجباری در سنین کودکی مجبور بوده اند که این ازدواج ها در بعضی نقاط حتی از سنین ۷ تا ۸ سالگی آغاز شده و در بسیاری مواقع با اختلاف سن زیاد، عدم تفاهم و خشونت های خانوادگی و گاهی مواقع خودکشی یا قتل همراه بوده است.»

سهیلا جلودارزاده، عضو هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی، به خبرنگاران گفت: «در

بحران اقتصادی ترکیه: میوه های تلخ «اقتصاد آزاد»

سقوط لیره ترکیه در اولین روز اسفند ماه منشاء بحران تمام عیار اقتصادی در این کشور گردید و توجه محافل سیاسی را بار دیگر به عوارض در پیش گرفتن سیاست های نولیبرالی جلب کرد. بحران اخیر که متعاقب اختلاف نظر شدید بولنت اجویت، نخست وزیر، و احمد سزار، رئیس جمهوری ترکیه توسعه یافت سرعاً به فرار سرمایه های خارجی از این کشور انجامید. رهبران سیاسی ترکیه پس از یک جلسه اضطراری ۱۲ ساعته با صندوق بین المللی پول، جهت مهار بحران تصمیم به شناور کردن نرخ لیره در مقابل ارزهای معتبر بین المللی کردند.

بحران اخیر که عوارض آن تا سال ها گریبانگیر اقتصاد ترکیه خواهد بود، باید زنگ خطری برای نیروهایی باشد که راه علاج عدم توسعه و عقب ماندگی را در پیش گرفتن راه رشد سرمایه داری و اقتصاد بازار و اجرای نسخه های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی می دانند. حقیقت این است که اقتصاد ترکیه از پایان سال ۱۹۹۹ تا کنون تحت فرمان صندوق بین المللی در جهت کنترل تورم هدایت شده است. سقوط سیستم بانکی فاسد که خود مسئول بخشی از مشکلات اقتصادی ترکیه است، دولت را مجبور کرد که در دو سال گذشته کنترل ۱۲ بانک را به دست بگیرد و با تزریق ۱۵ میلیون دلار در روز در جهت حمایت از سرمایه گذاران و حفظ اعتماد آنان فشارهای عمده ای را تحمل کند.

در اوایل آذر ماه صندوق بین المللی پول و اتحادیه اروپا با موافقت در مورد وام های تازه به میزان ۱۱/۲ میلیارد دلار سعی کردند بحران گسترش یابنده را مهار کنند. اما با تشدید اختلافات بین نخست وزیر و رئیس جمهوری، اوضاع بی ثبات بازارهای مالی از کنترل خارج و خروج ناگهانی سرمایه ها را باعث شد. دولت برای جلوگیری از سقوط سیستم بانکی نرخ بهره را به ۴۰۰۰ درصد افزایش داد. بانک مرکزی ترکیه طی روز اول اسفند ۷/۵ میلیارد دلار ارز به سیستم بانکی تزریق کرد.

تحلیل گران اقتصادی اخطار کرده اند که میزان تورم در کشور در ماه های آینده نجومی خواهد بود. یل اونیل، وزیر خزانه داری آمریکا، در حمایت از اقدامات دولت ترکیه گفت: «ایالات متحده به حمایت از اقدامات صندوق بین المللی پول در پشتیبانی از برنامه اصلاحات اقتصادی در ترکیه ادامه می دهد.» جالب این است بدانیم که هدف اصلی اعلام شده از اتخاذ سیاست های صندوق بین المللی پول در دوره قبل از بحران اخیر، کنترل تورم اعلام شده بود.

هورست کوهرل، مدیر عامل صندوق بین المللی پول، گفت: «ادامه تعدیل های مالی و یک سیاست پولی سختگیرانه قادر به تثبیت نرخ تعویض ارز و اطمینان از این خواهد بود که پس از یک افزایش اولیه، نرخ تورم کاهش یابد و دیگر دستاوردهای برنامه اقتصادی حفظ کردند.» مقامات رسمی ترکیه گفتند که آنها در مورد اهداف اقتصادی خود مخصوصاً در رابطه با تورم، پس از مذاکره با صندوق بین المللی پول تجدید نظر خواهند کرد. مقامات بانک مرکزی ترکیه گفتند: «سیاست های دقیق و سختگیرانه پولی موکداً ادامه خواهد یافت. ما به سمت اوضاعی که تورم را به عنوان یک ستون در نظر خواهد داشت، حرکت خواهیم کرد.»

بهای بحران اخیر را زحمتکشان ترکیه با ورشکستگی صد ها کارخانه و موسسات مالی و اوجگیری بیکاری در کشور و تورم سرسام آور می پردازند.

ادامه اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب ...

آفرینی ندارند بلکه مصمم اند با تشدید فشار و بحران زمینه را برای سرکوب و وسیع جنبش مردمی مهیا کنند.

حزب توده ایران، ماه ها پیش در پی اعلام استراتژی «آرامش فعال»، از سوی سران جبهه دوم خرداد، هشدار داد که با عقب نشینی در برابر ارتجاع و تن دادن به خواست های مرتجعان خواهان سرکوب روند اصلاحات نمی توان آینده اصلاحات را تأمین کرد. تجربه ماه های گذشته و یورش فزاینده قوه قضائیه در برابر عقب نشینی های گام به گام رهبران جبهه دوم خرداد نشانگر درستی نگرانی های ما و سایر نیروهای مترقی و آزادی خواه میهن ماست. بی عملی و بی اعتقادی به سازمان دهی توده ها برای مقابله با تهاجمات ارتجاع همچنان مهمترین ضعف رهبران جبهه دوم خرداد است که به عنوان عامل منفی در سازمان دهی جنبش مردمی عمل می کند. بیهوده نیست که حتی پس از یورش نیروهای قوه قضائیه و دستگیری های وسیع ما با این موضع گیری روبه رو هستیم که شاید نتوان در این زمینه کار چندانی کرد. در نامه سرگشاده جبهه مشارکت ایران اسلامی به هاشمی شاهرودی می خوانیم: «هنوز ۲۴ ساعت از صدور نامه پیشین جبهه مشارکت ایران اسلامی به جناب عالی، در مورد یکی از اقدامات دادگستری تهران نمی گذشت، که با رفتار عده ای از مأموران آن دستگاه و دستگیری تعداد زیادی از افراد ملی - مذهبی که سابقه طولانی فعالیت سیاسی داشته اند، روبه رو شدیم... شاید ما جز اظهار تأسف و هشدار به همه دلسوزان نظام کار دیگری نتوانیم انجام دهیم...» (به نقل از «ایسنا»، دوشنبه ۲۲ اسفندماه ۱۳۷۹). بحث اساسی نیز در همین جا است که ارتجاع با درک این موضوع که نیروهای جبهه دوم خرداد کاری جز هشدار و اعتراض نخواهند کرد با اطمینان برنامه های خود را برای ضربه زدن به جنبش مردمی دنبال می کند. آقای خاتمی در سخنان خود در مجلس ضمن اشاره به فشارهای وارد از جمله اشاره کرد که سکوت او و نگفتن همه مسائل نه به خاطر منافع شخصی بلکه به دلیل مصالح ملی بوده است. آیا معنی مصالح ملی این است که باید در مقابل یورش های متعدد مرتجعان حاکم و تنگ تر شدن حلقه محاصره بدور جنبش مردمی سکوت کرد؟ آیا مردم حق ندارند پیروند که چگونه می توان از مصالح ملی، بدون مقابله با تهاجمات ارتجاع برای سرکوب جنبش، دفاع کرد.

حزب توده ایران بار دیگر همه نیروهای مترقی و آزادی خواه، همه نیروهای اجتماعی مدافع اصلاحات، کارگران و زحمتکشان، دانشجویان، جوانان و زنان میهن ما را به اعتراض گسترده بر ضد این اقدامات سرکوبگرانه رژیم فرا می خواند. نباید اجازه داد که سناریوی محاکمات شرم آور برلین و دیگر محاکمات دگراندیشان بار دیگر تکرار شود و شماری از مبارزان و مدافعان اصلاحات به مسلخ ارتجاع برده شوند. عقب نشینی و سکوت در برابر تهاجمات ارتجاع هزینه سنگینی برای روند اصلاحات و همه نیروهای مدافع اصلاحات در پیش خواهد داشت. باید با هوشیاری، و سازماندهی اقدامات هماهنگ اعتراضی ارتجاع را به عقب نشینی وادار کرد.

دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۲ اسفندماه ۱۳۷۹

نگاهی به رویدادهای جهان در هفته ای که گذشت

مذاکرات صلح در کلمبیا

در ۹ فوریه در ملاقاتی میان «آندره باسترانا»، رئیس جمهوری کلمبیا، و رهبر ارتش انقلابی کلمبیا (FARC)، مانوئل مارولاندا، مذاکرات صلح دوباره از سر گرفته شد. یکی از مسایل مهمی که رژیم باسترانا به آن تن در داد، ایجاد کمیسیون ملی برای بررسی جنایات های «جوخه مرگ» بود. این گروه شبه نظامی که توسط دولت و به کمک ایالات متحده تشکیل شده است، بیش از دهها هزار نفر از افراد غیر مسلح را به قتل رسانده است. وظیفه این گروه ترور اعضا اتحادیه ها، روستاییان و فعالین سیاسی و دانشجویی است.

در نوامبر گذشته، FARC، در اعتراض به امتناع باسترانا برای انحلال «جوخه مرگ»، مذاکرات صلح را متوقف کردند. همچنین FARC پیشنهاد دولت برای خلع سلاح را نپذیرفت و وجود سلاح را ضمانتی برای پیشبرد صلح و اجرای موافقت نامه ها دانست.

دولت کلمبیا همواره در مبارزه با نیروهای انقلابی کشور، از سوی ایالات متحده پشتیبانی شده است و کمک های سیاسی و نظامی و مالی فراوانی را از آمریکا دریافت کرده است. در این رابطه ایالات متحده بیش از ۱/۳ میلیارد دلار کمک نظامی تحت نام «طرح کلمبیا» به این کشور اهدا کرده است که شامل تعلیمات نظامی، هلی کوپترهای نظامی، و مواد شیمیایی کشنده است. این کمک ها که تحت عنوان تبلیغاتی، مبارزه با مواد مخدر، صورت می گیرد، بصورت عمده علیه ۲ گروه بزرگ مخالف، FARC و ارتش آزادیبخش ملی کلمبیا، ELN، به کار گرفته می شود.

جرج بوش پس از پیروزی در انتخابات، اعلام کرد که سیاست وی در قبال کلمبیا متفاوت با سیاست کلینتون خواهد بود و در امور کلمبیا دخالت نخواهد کرد و مسایل آن را به دولت این کشور واگذار می کند. اما روز پیش از مذاکرات سخنگوی ارتش کلمبیا اعلام کرد که اولین بخش از کمک های آمریکا را دریافت کرده اند. در حال حاضر ارتش ۳۰ هزار نفری کلمبیا توان مقابله با نیروهای FARC را ندارد، که تعداد افراد آن در حدود نیمی از ارتش کلمبیا هستند، اما از سوی دیگر از پشتوانه و پشتیبانی مردمی عظیمی برخوردار هستند و بیش از ۴۰ درصد کشور را در اختیار دارند. با اتخاذ سیاست جدید از طرف ایالات متحده، دولت این کشور می خواهد وانمود کند که هیچ دخالتی در امور کلمبیا ندارد، در حالی که با تخصیص کمک های مالی، اهدا سلاح مدرن و اعزام نیروهای ویژه تحت نام مبارزه با مواد مخدر، بطور فعال در سرکوب جنبش مردم شرکت می کند و تلاش دارد تا با ایجاد ویتنام دیگری، درگیری های کلمبیا را به جنگی تمام عیار تبدیل کند. پس از موافقت نامه اولیه بین طرفین، FARC، پیشنهاد کرد تا ایالات متحده و کوبا نیز به همراه چین، اکوادور و ونزوئلا، در مذاکرات صلح نظارت کنند. اما دولت بوش آن را رد کرد. مارولاندا در این مورد گفت، از دست ما کار دیگری بر نمی آید، ما به ایالات متحده التماس نخواهیم کرد تا در این مذاکرات حضور یابد. ما تنها می توانیم دعوت نامه بفرستیم.

پیروزی حزب کمونیست در مولداوی

حزب کمونیست مولداوی با بدست آوردن ۵۰/۲ درصد آرا، در انتخابات این کشور به پیروزی رسید. با این پیروزی، حزب کمونیست ۷۰ تا ۷۱ کرسی از مجموع ۱۰۱ کرسی مجلس را تصاحب خواهد کرد. این تعداد کرسی به حزب کمونیست

حال ایجاد شرایط لازم برای اسکان یهودی ها در مناطق اشغالی و افزایش فشار به عرب های ساکن این منطقه است، وی بویژه با ایجاد موانع بر سر راه ورود فلسطینی ها به اسرائیل و مناطق اشغالی تحت کنترل اسرائیل، برای کار و کسب روزانه خود، در عمل مذاکرات صلح را نادیده می گیرد و تمامی توافق ها را زیر پا می گذارد. حضور پاول در شرایطی که مسایل فراوان کلیدی و لاینحلی باقی مانده است، کمکی به مسأله صلح نمی کند.

حضور پاول ایجاد فشار بر شارون است تا ائتلافی هر چه وسیعتر را با احزاب اسرائیلی بوجود آورد تا از این طریق دولت شارون از نظر ملی و بین المللی و بخصوص از طرف کشورهای عربی، مورد پذیرش و تایید قرار بگیرد. پاول در ارتباط با این مسأله با سران کشورهای عربی در منطقه دیدار داشت و آنها را از شرایط موجود مطلع ساخت. در چنین شرایطی و با افزایش فشار به فلسطینی ها، آنچه می توان از قرار داد صلح گفت، تحمیل شرایط اسرائیل، با ایجاد محدودیت های بیشتر خواهد بود.

تهدید پاکستان برای گسترش توان اتمی

بنا به اظهارات سخنگوی نیروی دریایی پاکستان، این کشور قصد دارد تا زیر دریایی های خود را به موشک های اتمی مجهز کند. اما تاریخ مشخصی برای این برنامه اعلام نشده است. بنا به ادعای سخنگوی مزبور، این اقدام در مقابله با هندوستان صورت می گیرد و بیشتر برای تحت فشار قرار دادن و ترساندن این کشور است. وی همچنین اضافه کرد که به این امکان نیز فکر شده است که در آینده پایگاه های موشکی هسته ای نیز در داخل کشور ایجاد شود. گفتنی است که پاکستان در رابطه با ایجاد سیستم دفاع ضد موشکی ایالات متحده، با آن به مخالفت پرداخت و آن را خطری برای جهان و گسترش سلاح هسته ای در جهان خواند. در شرایط فعلی، علاوه بر اختلافات موجود با هندوستان، موضع گیری های این کشور در قبال افغانستان و کمک های آن به این کشور و مخالفت های بسیاری که در این رابطه صورت گرفته است، ایجاد پایگاه موشکی و گسترش توان هسته ای، برتری طلبی نظامی در منطقه و تهدید سایر کشورهای منطقه باید در چهره دولت نظامی پاکستان در انتظار زاندارم جدیدی در منطقه بود.

میانجیگری بلر برای یکپارچگی امپریالیسم

«تونی بلر» نخست وزیر انگلستان، پس از بمباران عراق توسط نیروهای مشترک آمریکا و انگلستان، به عنوان اولین رئیس دولت یک کشور اروپایی، با جرج دبلیو بوش، در واشنگتن ملاقات کرد تا بتواند ضمن هماهنگی سیاست های دو کشور در مسایل جهانی و نظامی، میان امپریالیست های اروپایی و آمریکایی میانجیگری کرده و «یکپارچگی» امپریالیسم را حفظ کند.

موضوع گیری های اخیر بلر چرخشی بزرگ برای سیاست های او از زمان زمام داری کلینتون تا بوش است. بلر به عنوان «دوست بزرگ و صمیمی» کلینتون در زمان زمامداری او، که مدت زمان زیادی از آن نگذشته است، پشتیبان سرسخت و همپای او در سیاست های خارجی او، که نظراتی «دموکرات» تر از بوش داشت و خود را معتقد به «راه سوم» می دانست، بود، به

امکان می دهد که بتواند رئیس جمهوری را انتخاب کند. این انتخابات زودرس پس از به بن بست رسیدن مجلس برای تعیین رئیس جمهور در دسامبر سال گذشته، صورت گرفت. در این انتخابات پس از حزب کمونیست، نخست وزیر کشور و حزب لیبرال دموکرات او ۱۳/۴۵ درصد، و حزب دست راستی دموکرات مسیحی ۸/۱۸ درصد آرا را کسب کردند. در انتخابات سال ۱۹۹۸، حزب کمونیست ۳۰ درصد آرا را بدست آورده بود ولی با این حال بعنوان قویترین فراکسیون وارد مجلس شد اما این تعداد برای داشتن اکثریت آرا در مجلس کفایت نمی کرد.

دبیر اول حزب کمونیست، ولادیمیر ورونین، پس از اعلام نتایج اعلام کرد که آنها مایلند تا نخست وزیر این کشور را در پست خود ابقا کنند. او همچنین اضافه کرد که با صندوق بین المللی پول همکاری خواهد کرد. صندوق بین المللی پول در دسامبر گذشته با پرداخت وامی به مبلغ ۱۰۰ میلیون پوند به این کشور موافقت کرده است. اقتصاد مولداوی طی ده سال گذشته و پس از اعلام استقلال از اتحاد شوروی، با سیر نزولی عظیمی روبرو بوده است و در حال حاضر در سطحی برابر با یک سوم توان خود نسبت به سال ۱۹۹۱ قرار دارد. در حال حاضر بیش از ۸۰ درصد مردم تنها با ۴۰ سنت درآمد در شرایط فقیرانه ای بسر می برند.

دیدار پاول از خاور میانه

«کالین پاول» وزیر امور خارجه ایالات متحده، در دیداری با شارون و یاسر عرفات، از آنها خواست تا به خشونت ها و درگیری ها در منطقه پایان دهند. پاول در دیدار خود با شارون، بدون آنکه در موارد کلیدی اختلاف بین اسرائیل و فلسطین حرفی زده باشد، از او خواست تا موانع ایجاد شده برای ورود فلسطینی ها به اسرائیل، در کرانه غربی و نوار غزه را برجیند تا آنها بتوانند به کارهای اقتصادی خود مشغول شوند. همزمان نیز موج جدیدی از درگیری ها و تیراندازی ها آغاز شد که حاکی از آن است که تا رسیدن به صلح با شرایط فعلی، راه بسیاری باقی است. این در حالی است که شارون در تدارک ائتلاف با نیروهای راست افراطی است و در گفتگویی که با رهبران یهودی داشت گفت که اسرائیل می بایست تا ۱۰ سال آینده شرایط اسکان برای یک میلیون یهودی مهاجر را ایجاد کند و اضافه کرد که ما باید شرایط لازم را تا سال ۲۰۲۰ برای یهودیانی که در اینجا زندگی می کنند مهیا کنیم، اگر می خواهیم که آنها یهودی باقی بمانند و اگر بخوایم که آنها یهودی شوند، آنها باید در اینجا زندگی کنند. شارون علیرغم وعده برقراری صلح، به سرعت در

به مناسبت «روز جهانی زن» مبارزه زنان بر ضد نولیبرالیسم

تعیین شده بود، روز جهانی زن، از طرف این نهاد بین المللی به صورت رسمی قبول شد و بسیاری از دولت ها که قبلا از تایید موجودیت آن سر باز زده بودند، در رابطه با تسهیل به برگزاری آن در کشورهای خود قبول تعهد کردند.

«روز جهانی زن» مجال تعمق بیشتر در مورد پیشرفت های حاصل شده در تأمین خواست زنان بدست می دهد و محملی است برای تجلیل از اقدامات شجاعانه و مصممانه زنانی که نقشی مهم در تاریخ مبارزه بخاطر حقوق زن ایفاء کرده اند. روز جهانی زن که تا اواخر قرن بیستم فقط در کشورهای سوسیالیستی به عنوان یک تعطیل رسمی جشن گرفته می شد و در غرب چندان توجهی به آن نمی شد اکنون در کشورهای سرمایه داری اروپا و آمریکا به یک مقطع مهم در تقویم مبارزاتی زنان آگاه تبدیل شده است. در اکثر کشور های سرمایه داری به ابتکار اتحادیه های کارگری و سازمان های مترقی زنان جشن های روز و هفته زن وسعت فراوانی یافته است.

نیروهای مترقی و طرفداران سوسیالیسم حمایت از مبارزه زنان در دفاع از دستاوردهای دهه های اخیر را بخشی عمده از وظایف خود می داند و در راستای حفاظت از حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان در جامعه پیکار می کنند. آن ها به ضرورت از بین بردن همه اشکال استثمار، سرکوب و خشونت بر ضد زنان و ایجاد امکان دست یابی زنان به مناصب کلیدی و تصمیم گیرنده در ارگان های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه اعتقاد دارند.

کمیونیست ها معتقدند که مبارزه برای عدالت و برابری جنسی باید به مبارزه برای سوسیالیسم، برای جامعه جدیدی که بر پایه برابری، دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی و اقتصادی ایجاد می شود، پیوند بخورد. در قرن بیستم زنان جهان مبارزات فراوانی را با موفقیت و با کسب دستاوردهایی ارزشمند، نه فقط برای زنان، بلکه برای تمامی جامعه، به سامان رسانیده اند. آنچه که قابل توجه بوده است این که اکثر این مبارزات حول مسائل اجتماعی بود اند. در ابتدای قرن بیست و یکم تأکید نیروهای ترقی خواه بر سازماندهی مبارزات زنان حول مسائل اقتصادی کاملاً ضروری است.

یورش به بودجه بخش عمومی و دولتی در ربع قرن گذشته، که اثرات آن در، در اشکال کاهش بودجه های بهداشتی، آموزش و پرورش و عواید بازنشستگی ظهور کرده است، به معنی محروم کردن زنان از ایفای نقش موثر در حیات اقتصادی و اجتماعی است.

جهانی شدن سرمایه داری عملاً به روند معکوس کردن دستاوردهای مبارزات زنان در جهان یاری کرده است. در کشورهای در حال توسعه زنان فقیر به دلیل وابستگی اقتصادی خود مجبور به تحمل روابط غیر انسانی و ناقض حقوق پایه ای انسانی که از سوی کمپانی های چند ملیتی تحمیل می شوند، هستند. شرکت های فراملی با سوءاستفاده از توان اقتصادی خود شرایطی را به کشورهای در حال توسعه تحمیل می کنند که نتیجه آن سوء استفاده از زنان به عنوان نیروی کاری است که قابلیت شدیدترین استثمار را دارا هستند. دلیل این مسأله پایین بودن سطح آموزش و مهارت های زنان در این کشورها است. زنان به ویژه زنان بیکار در مناطق دور افتاده و روستایی بدترین اثرات فقر را تجربه می کنند. فقر و نابرابری جنسی در بسیاری از کشورهای جهان سوم حقیقت ملموس نظام مبتنی بر سرمایه برای زنان زحمتکش است. این حقیقتی است که هیچ کشور سرمایه داری بی تاکنون در جهت اتخاذ قوانین و یا اقداماتی که زندگی زنان را به صورت قابل توجهی بهبود بخشد، قدم جدی برنداشته است. بر خورد عمیقاً نا برابر با زنان ریشه در ذات سیستم مبتنی بر سرمایه دارد.

از دوران مبارزات نیمه اول قرن بیستم که خواست های برحق زنان به بخش جدایی ناپذیر شعارهای مبارزاتی زحمتکشان و نیروهای مترقی و انقلابی طبقه کارگر در جهان بدل شد، ارزش و مقام روز جهانی زن وسیعاً افزایش و گسترش یافته است. اکنون در بسیاری از کشورهای جهان ۸ مارس به روز تجدید عهد مبارزاتی برای رفع تبعیضات جنسی، و اتخاذ مکانیزم های عملی و موثر برای ترفیع مقام زن در همه عرصه های حیات جامعه تبدیل شده است. «روز جهانی زن» اکنون ابعادی جهانی برای زنان در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه پیدا کرده است. جنبش رشد یابنده زنان در جهان، که از قبل برگزاری چهار کنفرانس جهانی سازمان ملل در مورد مسأله زن در دهه های اخیر، نیرو گرفته، کمک کرده است که برگزاری روز ۸ مارس هر ساله به صحنه تجدید عهد برای افزایش کوششهای هماهنگ در طلب حقوق زنان و شرکت آنان در روندهای سیاسی و اقتصادی جامعه تبدیل شود. طی سال ۱۹۷۵ که از طرف سازمان ملل به عنوان سال زن

از تصمیم انترناسیونال دوم، در سال ۱۹۱۰، در رابطه با قطعنامه کلارا تستکین، در جریان کنفرانس بین المللی زنان سوسیالیست در کپنهاگ، که روز هشتم مارس، به عنوان «روز جهانی زن» تعیین گردید، هر ساله میلیونها زن زحمتکش در سراسر گیتی در این روز مبارزه مشترک خود بر ضد نابرابری، ستم و استثمار مضاعف را با هم پیوند می دهند. پس از گذشت ۹۱ سال و در ابتدای قرن ۲۱، گرچه بسیاری از مبارزات بر ضد نابرابری های قانونی، نظیر حق رای دادن و حق تحصیل، در بسیاری از کشورها به ثمر رسیده است، نباید چشم بر این حقیقت بست که استثمار مضاعف زنان کارگر که ریشه آن در تفکرات ستمگرانه کهنه و ارتجاعی قرنهای متمادی است بشدت ادامه دارد.

«روز جهانی زن»، به بیان سازمان ملل، روزی است که «زنان در همه کشورها، بر رغم فاصله های ایجاد شده بدلیل مرزهای ملی و یا تفاوت های قومی، زبانی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی... می توانند به سنتی بنگرند که نمایشگر حداقل ۹ دهه مبارزه برای برابری، عدالت، صلح و توسعه است.» اما باید اذعان کرد که فقط جنبه تاریخی این مبارزه و این روز نیست که محور این جشن جهانی است، بلکه در مراسم بزرگداشت «روز جهانی زن» عرصه های گوناگون این مبارزه که هنوز هم ادامه دارد و ادامه یابنده است، نیز مورد توجه است.

«روز جهانی زن» داستان زنان زحمتکش به مثابه سازندگان تاریخ نه فقط در گذشته بلکه در زمان کنونی نیز هست. در سراسر گیتی احزاب کمونیست و کارگری و نیروهای ترقی خواه روز جهانی زن را با شادباش به شیرزنانی که در سراسر جهان در مقابل ستم جنسی مقاومت می کنند و در مبارزات گوناگون و متنوع برای رهایی و برابری شرکت دارند، گرامی می دارند. روز جهانی زن در کشورهای سوسیالیستی و مترقی وسیعاً جشن گرفته می شود. ۸ مارس در کوبا تعطیلی عمومی است. در جریان مراسم روز جهانی زن در سال ۱۹۷۵ در کوبا، کارزاری بر ضد برخی مشخصه های ضد زن در تفکرات و عمل متداول در جامعه تدارک دیده شد. دولت کوبا در حمایت از این ابتکار ایدئولوژیک، قانون ازدواجی را به تصویب رساند که بر طبق آن کارهای خانه مسئولیت مشترک، مرد و زن تعریف می شود. مبارزان راه سوسیالیسم در همه کشورها با تشخیص رابطه متقابل بین ستم جنسی و استثمار، که ذاتی جوامع طبقاتی است، مبارزه برای برابری زن و مرد را بخش جدایی ناپذیر از مبارزه خود بر ضد سرمایه داری اعلام کرده اند. نیروهای ترقی خواه در مبارزه برای برابری جنسی، در رابطه با اثرات جهانی شدن سرمایه داری در سراسر گیتی اعلام خطر کرده اند. اثر جهانی شدن بر زنان شدیداً دردناک بوده است. سرمایه داری جهانی با آگاهی از «ثمرات» اقتصادی نابرابری های جنسی در تأمین نیروی کار ارزان، در عمل از طرق مختلف در جهت تعمیق و نهادینه کردن آنها عمل می کند.

کمک های مالی رسیده

به مناسبت شصتمین سالگرد حزب و پنجاه سال افتخار عضویت در حزب
۵۰۰ مارک
به یاد شهید قهرمان سیمین از بن ۵۰ مارک

آدرس ها: لفظاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.
1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>
Nameh Mardom-NO 604
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

13 March 2001

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما

نام IRAN e. V.
شماره حساب ۷۹۰۰۲۰۵۸۰
کد بانک ۱۰۰۵۰۰۰۰
بانک Berliner Spar-